

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

پیاپی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش نهایی

ظهور، رجعت، قیامت، شباهت‌ها و تفاوت‌ها

بر اساس آنچه در روایات و احادیث قابل مشاهده است، در پایان تاریخ، سه حادثه‌ی عظیم جهانی به صورت پیاپی رخ خواهد داد. حادثه‌ی اول، ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه و تشکیل دولت حقّه‌ی آن بزرگوار، حادثه‌ی دوم، وقوع رجعت و حادثه‌ی سوم، برپایی قیامت است. امام صادق علیه السلام در روایتی، این سه واقعه را «ایام الله» نامیده‌اند. آن حضرت می‌فرماید: «**أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ عليه السلام وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ**»^۱: ایام خدا سه روز است؛ روزی که قائم علیه السلام قیام کند و روزی که رجعت به وقوع پیوندد و روزی که قیامت برپا شود. آغاز دوران رجعت با آغاز دوران ظهور امام عصر علیه السلام مقارن خواهد بود. البته ظهور امام زمان علیه السلام به معنای رجعت نیست؛ زیرا رجعت به معنای بازگشت روح به بدن انسان بعد از زمانی است که بدن را ترک نموده بود و این امر در مورد امام زمان علیه السلام مصداقی نخواهد داشت. همان‌طور که در بحث مفهوم غیبت نیز اشاره کردیم، غیبت امام زمان علیه السلام به معنای زندگی عادی و ناشناس آن حضرت در بین مردم است و در این دوره، روح از بدن

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

ایشان مفارقت ننموده است که بتوان ظهور حضرت را رجعت به شمار آورد؛ بلکه همین زندگی طبیعی و عنصری را دارند. همچنین اعتقاد به این امر که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام همزمان با ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه به زمین بازخواهند گشت و معاون و وزیر و یاور آن حضرت خواهند بود و در نماز به ایشان اقتدا خواهند کرد، نیز مصداق رجعت نیست؛ زیرا بنابر قول مشهور، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام از دنیا نرفته‌اند؛ بلکه خداوند متعال، عیسی علیه السلام را به یکی از کرات آسمانی بالا برده و آن حضرت هم‌اکنون در آنجا زندگی می‌کنند. بنابراین بازگشت حضرت عیسی علیه السلام به زمین، به معنای بازگشت روح به پیکر انسانی نیست و از مصادیق رجعت به شمار نخواهد آمد. البته برخی مفسران ماجرای فوت حضرت عیسی علیه السلام را، پس از عروج ایشان، از آیات قرآن استنباط کرده‌اند و به استناد آیه مبارکه‌ی «**إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَ رَافِعُكَ إِلَىٰ**»^۲: همانا من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود بالا می‌برم، بازگشت از آسمان و فوت را برای حضرت قائل شده‌اند. اما گروه دیگری از مفسران معنای توفی را در این آیه، فوت و رفتن از دنیا ندانسته‌اند. مطابق نظر ایشان بازگشت عیسی بن مریم علیه السلام به زمین به معنای بازگشت روح به بدن ایشان نیست و مصداق رجعت نخواهد بود.

مطابق بسیاری از احادیث، گروهی از اصحاب امام زمان علیه السلام کسانی هستند که پیش از ظهور آن حضرت فوت کرده و از دنیا رفته‌اند، چه از امت‌های پیشین چون اصحاب کهف و چه از امت اسلام چون مسلمانان و شیعیان برجسته‌ای که در طول تاریخ زیستند و آنگاه از این عالم رخت بربستند، همگی در عصر ظهور به اذن خداوند متعال زنده خواهند

۲. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۵۵.

شد و به دنیا باز خواهند گشت و به یاری و نصرت حضرت مهدی ارواحنا فداه خواهند شتافت. از این رو زمان آغاز ظهور با آغاز رجعت یکسان است و نخستین موارد رجعت در زمان ظهور حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه اتفاق خواهد افتاد. اما لازم به ذکر است که آنچه به منزله‌ی شاخص دوران رجعت تعریف شده، از اواخر دوران حیات ظاهری و حکومت امام زمان علیه السلام و با رجعت امام حسین علیه السلام آغاز خواهد شد. حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام اولین شخص رجعت کننده از بین ائمه‌ی معصومین علیهم السلام خواهند بود^۳ که در اواخر عمر حضرت مهدی ارواحنا فداه به این عالم رجعت می‌کنند و زمانی که امام زمان علیه السلام از دنیا می‌روند (چه به مرگ طبیعی و چه با شهادت و مسمومیت)، پیکر آن حضرت را تغسیل و تکفین و تدفین خواهند کرد و بر ایشان نماز خواهند خواند؛ چون پیکر معصوم را جز معصوم نمی‌تواند غسل و تدفین کند و بر او نماز بخواند.

در اینجا لازم است شباهت‌ها و تفاوت‌های رجعت، برزخ و قیامت (و مابعد قیامت یعنی بهشت و دوزخ) را بشناسیم تا بتوانیم این سه واقعه را از یکدیگر تفکیک کنیم.

شباهت اول این سه دوره‌ی زمانی در آن است که در همه‌ی آنها، پاداش و عقاب اعمال انسان‌ها به ایشان خواهد رسید. اکنون ما در عالم عمل قرار داریم؛ اما بعد از موت اول که همه‌ی انسان‌ها آن را تجربه خواهند کرد، عالم جزا و پاداش برپا خواهد شد. چنانکه

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹: «أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام»: نخستین کسی که زمین برایش شکافته می‌شود و به دنیا بازمی‌گردد حسین بن علی علیه السلام است.

رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «مَنْ مَاتَ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ»^۴:

هرکس بمیرد، به تحقیق قیامتش به پا می‌خیزد.^۵ البته این جزا در طی دو مرحله‌ی جزای اوسط (میانی) و جزای نهایی، صورت خواهد گرفت. انسان‌ها در عالم برزخ و دوره‌ی رجعت به جزای اوسط می‌رسند؛ بدین معنا که هم در عصر رجعت، بدکاران مجازات می‌شوند و نیکوکاران به حقوق غضب‌شده‌ی خویش دست می‌یابند و هم در عالم برزخ کيفر و پاداش نیکان و بدان در بهشت و دوزخ برزخی، به ایشان خواهد رسید. جزای نهایی مربوط به عالم قیامت است که نیکان به سوی بهشت جاودان و بدان به سوی دوزخ ابدی خواهند شتافت و در آن جای خواهند گرفت.

دومین شباهت بین رجعت، برزخ و قیامت، در این نکته است که پس از مرگ اول، دیگر ایمان غیراختیاری و الجائی سودی به حال انسان نخواهد بخشید و در شرایطی که اختیار از انسان سلب شود، ایمان آوردن او خاصیت و فایده‌ای نخواهد داشت؛ زیرا در شرایطی که اختیار سلب شود ایمان تأثیری بر وجود انسان نمی‌گذارد. یکی از مصادیق این مطلب،

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۷.

۵. لازم به یادآوری است که هر آنچه در ادبیات دینی از آن یاد می‌شود، دارای دو تفسیر آفاقی و انفسی است و مصداقی در جهان بیرون و در جهان درون دارد؛ هم پیامبر بیرونی داریم هم پیامبر درونی؛ حجّت خدا هم درون ماست هم در جهان بیرون؛ غیبت و ظهور و ملاقات و دیدار با حجّت خدا، هم در درون ما رخ می‌دهد هم در بیرون؛ زیرا حجّت خدا آیت کبرای الهی است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي»: برای خدا آیه‌ای بزرگتر از من نیست. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۰۶). از طرفی خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ»: به زودی آیات خود را در جهان اطراف و در درون جان‌هایشان به آنها نشان می‌دهیم. (سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۵۳). بنابراین اگر حجّت خدا آیه‌ی خداست و خدا آیات خود را در بیرون و درون نشان می‌دهد، می‌توان حجّت خدا را هم در آفاق و هم در انفس ملاقات و دیدار کرد. از این رو رجعت نیز می‌تواند دارای هر دو مصداق درونی و بیرونی باشد. در اینجا بحث ما ناظر بر رجعت بیرونی است. در بخش‌های بعدی به بحث رجعت باطنی نیز می‌پردازیم.

دوران رجعت است؛ چنانکه در زیارت امام زمان ارواحنقده می‌خوانیم: «يَوْمَ لَا

يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ

كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»^۶: زمانی رسد که ایمان آوردن کسی که تا

آن زمان ایمان نیاورده باشد یا با ایمانش خیری به دست نیاورده باشد، سودی به حالش

نخواهد بخشید. مصداق دیگر این امر، عالم برزخ است؛ چنانکه ایمان آوردن فرعون در

آخرین لحظات عمر او از ترس مرگ بود و اقرار او کوچکترین فایده‌ای برایش نداشت و در

کفر خود از دنیا رفت. ایمان آوردن در هنگامی که فرد محتضر مرگ را به معاینه و یقین

ببیند، نه از سر اختیار بلکه از روی اجبار و اکراه است و سودی نمی‌بخشد. بنابراین ایمان

الجائی چه در برزخ و چه در عصر رجعت و چه در عرصه‌ی قیامت فایده‌ای نخواهد داشت

و لذا این مسأله، از وجوه مشترک رجعت و برزخ و قیامت است.

رجعت، شباهت بیشتری به قیامت و حشر اکبر و یوم یجمع الاولین و الاخرین و یوم

الحساب دارد و عالم برزخ، شباهت بیشتری به بهشت و دوزخ و مابعد حسابرسی‌ها دارد.

اینک به چند مورد از شباهت‌های رجعت با قیامت اشاره می‌کنیم:

۱. رجعت و قیامت، هر دو ناظر بر عود یا بازگشت روح به بدن جسمانی هستند؛

درحالی‌که در عالم برزخ، روح به بدن جسمانی بازمی‌گردد و برزخ با قالب مثالی و پیکر

برزخی سپری می‌شود.

۲. به موجب برخی روایات، قبل از وقوع رجعت و نیز قبل از برپایی قیامت، به مدت چهل

روز از آسمان بارانی خواهد بارید که در اثر آن، بدن انسان‌هایی که از دنیا رفته‌اند

۶. محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت آل‌یاسین.

بازسازی خواهد شد و روح به آنها باز خواهد گشت. امام جعفر صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ الْخَلْقَ أَمْطَرَ السَّمَاءَ
عَدَى الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً فَاجْتَمَعَتِ الْأَوْصَالُ وَ
نَبَتَتِ اللَّحُومُ»^۷: چون خداوند اراده فرماید که مردم را زنده کند و برانگیزاند،
چهل شبانه‌روز از آسمان بر زمین باران می‌بارد؛ پس مفاصل جمع می‌شود و بر آنها گوشت
روییده خواهد شد.

۳. در رجعت و قیامت، حسابرسی به اعمال وجود دارد. در دوران رجعت،
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، ظالمان و ستمگران را محاکمه
خواهند کرد و این حسابرسی در قیامت نیز رخ خواهد داد.

۴. در رجعت و قیامت، حق الناس مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و تمام ستم‌هایی که
انسان‌ها نسبت به یکدیگر روا داشته‌اند، مورد بازخواست و تلافی قرار خواهد گرفت؛
در حالی که در برزخ، چنین چیزی وجود ندارد. به تعبیری می‌توان گفت که رجعت، قیامت
صغری و قیامت، رجعت کبری است. از طرف دیگر عالم برزخ، بهشت و دوزخ صغری است
و بهشت و دوزخ قیامت، برزخ کبری یا برهوت کبری و دارالسلام کبری است. در روایات
آمده است که ارواح مؤمنان پس از مرگ، در وادی السلام جمع می‌شوند و محل اجتماع
ارواح اشقیاء برهوت است. برهوت نام بیابانی ترسناک و غریب در یمن، و وادی السلام
قبرستان مؤمنان در نجف است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ
يَمُوتُ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ اللَّهُ جَلَّ وَ

۷. نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۴۹۸

عَلَا رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ؛ قِيلَ وَ أَيْنَ وَادِي
السَّلَامِ؟ قَالَ: بَيْنَ وَادِي النَّجْفِ وَ الْكُوفَةِ
كَأَنِّي بِهِمْ خَلَقْتُ كَبِيرٌ قَعُودٌ يَتَحَدَّثُونَ عَلَيَّ مَنَابِرَ
مِنْ نُورٍ^۸: هر مؤمنی که در شرق یا غرب زمین بمیرد، خداوند تبارک و تعالی روح او
را در وادی السَّلَام محشور کند و برانگیزاند. پرسیده شد: وادی السَّلَام کجاست؟ فرمودند:
میان نجف و کوفه؛ گویا می بینم گروه فراوانی را که بر فراز منبرهایی از نور نشسته اند و
سخن می گویند. در حدیث دیگری از آن حضرت منقول است: «إِنَّ عَدُونَنا إِذَا
تُؤْفِي صَارَتْ رُوحُهُ إِلَى وَادِي بَرَهُوتِ فَأُخْلِدتْ فِي
عَذَابِهِ وَ أُطْعِمَتْ مِنْ زَقُومِهِ وَ سُقِيَتْ مِنْ حَمِيمِهِ
فَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ الْوَادِي»^۹: وقتی دشمن ما بمیرد،
روحش به وادی برهوت می رود و در عذاب آنجا مَخْلَد خواهد بود و از زقوم می چشد و از
حمیم می آشامد؛ به خدا پناه برید از این وادی.

یکی از تفاوت های رجعت با برزخ و قیامت، در این است که برزخ و قیامت، جنبه ی
همگانی دارند و همه ی افراد پس از رسیدن به موت، از عالم برزخ سر درمی آورند و پس از
طی کردن آن، تمام انسان ها از اولین و آخرین آنها که در تاریخ بشر در زمین زندگی
کرده اند، در قیامت محشور می شوند و مورد حسابرسی و پاداش و کیفر قرار می گیرند؛ اما
در عصر رجعت، نه همه ی مردم، بلکه تنها گروهی از سران نیکان و سران بدان، به این
عالم بازخواهند گشت.

۸. دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۴۴۰.

۹. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۸۲.

یکی از مشابهت‌های رجعت و برزخ نیز در این نکته است که در هر دوی آنها، حسابرسی و پاداش و کیفر، برای عموم مردم نیست. برزخ برای همه است؛ اما حسابرسی در برزخ تنها مختص سران نیکان و سران بدان است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا يُسْأَلُ فِي قَبْرِهِ مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحْضًا فَأَمَّا مَا سِوَى هَذَيْنِ فَإِنَّهُ يُلْهَى عَذُّهُ [وَقَالَ فِي الرَّجْعَةِ] إِنَّمَا يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ أَوْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحْضًا فَأَمَّا مَا سِوَى هَذَيْنِ فَلَا رُجُوعَ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْمَأْبِ»^{۱۰}: همانا پرسش قبر برای کسی است که ایمان محض و خالص یا کفر محض و خالص داشته باشد و از دیگران صرف‌نظر می‌شود و به حال خود رها می‌شوند تا بعد در قیامت به حساب آنها رسیدگی شود. او در باره‌ی رجعت نیز فرمودند: [هنگام ظهور قائم علیه السلام، به دنیا بازنگردد مگر کسی که ایمان محض یا کفر محض داشته باشد و برای دیگران تا قیامت، رجعتی نخواهد بود]^{۱۱}. آن حضرت در حدیث دیگری در خصوص همگانی نبودن رجعت می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ مَحْضًا»^{۱۲}:

۱۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۸۲.

۱۱. آن حضرت در روایت دیگری نیز می‌فرماید: «لَا يُسْأَلُ فِي الْقَبْرِ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحْضًا وَ الْآخِرُونَ يُلْهَوْنَ عَنْهُمْ»؛ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۳۵.

۱۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

رجعت عمومی نیست [که تمام مردگان زنده شوند و سر از قبر درآورند؛ بلکه تنها افراد خاصی به دنیا برمی‌گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند. حکمت این امر را با مثالی بیان می‌کنیم: اگر فرمانروایی دستوری صادر کند که تمام افراد تحت حکومتش ملزم به اجرای آن فرمان باشند، عکس‌العمل افراد در رویارویی با آن متفاوت است. گروهی مشتاقانه به این دستور عمل می‌کنند و دیگران را نیز به انجام آن تشویق می‌کنند و به عبارتی از سران اطاعت و فرمانبری هستند و تعدادی از اشخاص نیز پیرو ایشان می‌باشند؛ اما دسته‌ی دیگر افراد از فرمان حاکم تمرد می‌کنند که خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی از سران عاصیانند که علاوه بر آنکه خود سرکشی می‌کنند، دیگران را نیز به مقابله تحریک می‌کنند و گروه دیگر، از آنان تبعیت می‌کنند و از فرمان سر می‌پیچند. حال اگر روزی رسد که دوران و فرصت اجرای این فرمان به اتمام رسد و سلطان قصد پاداش دادن به فرمانبران و کیفر عاصیان را داشته باشد، قطعاً از افراد برجسته‌ای آغاز می‌کند که رهبر فرمانبران یا رهبر عاصیان بوده‌اند. عصر رجعت آغاز جزا و پاداش است و خداوند این امر را با سران هر گروه آغاز می‌کند. واضح است که با تجلیل از رهبر یک گروه، تمام اعضای آن گروه شاد می‌شوند و احساس غرور و افتخار می‌کنند. آنگاه که خداوند متعال امیرالمؤمنین علیه السلام را در صدر بهشت جای دهد، تمامی شیعیان آن حضرت، غرق سرور و شادی خواهند شد؛ همچنان‌که وقتی در غدیر خم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را بلند و آن حضرت را به جانشینی خود معرفی کردند، دوستانی چون سلمان، ابوذر و مقداد، شاد و مسرور شدند و در مقابل، دشمنان حضرت کلافه و خشمگین شدند. از سوی دیگر، واضح است که اگر رهبر قومی مورد اهانت و

بی‌احترامی قرار گیرد، پیروان او نیز این اهانت را نسبت به خود خواهند دانست. در زمان رجعت نیز ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام که سران ایمانند، به دنیا بازمی‌گردند و تجلیل می‌شوند و حکومت را به دست می‌گیرند و همه‌ی مؤمنان، چه آنان که رجعت می‌کنند و چه آنان که در برزخ به سر می‌برند و تنها خبر این واقعه را می‌شنوند، به نحوی غرق سرور می‌شوند که گویا این پاداش به خود ایشان اعطا شده است. همچنین اولین رجعت‌کنندگان از گروه بدان، ابابکر و عمر خواهند بود. امام عصر ارواحنا فداه پس از ظهور، این دو تن را از گورهایشان بیرون می‌کشند و دستور می‌دهند که آنها را به درخت خشکیده‌ای ببندند؛ در همان لحظه، آن درخت خشکیده سبز می‌شود و برگ می‌دهد و میوه به بار می‌آورد. عده‌ی بسیاری از مردم با دیدن این صحنه، حق را به ابوبکر و عمر می‌دهند و پا به عرصه‌ی گمراهی می‌نهند.

لازم به ذکر است که لغزشگاه‌های گوناگون و عظیمی از این قبیل، جهت محک زدن ایمان افراد و امتحان الهی است. در جای دیگر آمده است که قبل از ظهور امام زمان علیه‌السلام، صیحه‌ای در نیمه‌ی اول روز خبر از حقانیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌دهد؛ اما صیحه‌ی دیگری در نیمه‌ی دوم روز، خبر از حقانیت ابوبکر و عمر و عثمان می‌دهد و تنها اشخاصی از این امتحانات، سربلند بیرون خواهند آمد که حقیقت ایمان در جانشان رسوخ کرده باشد.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ

لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ»^{۱۳}: او کسی است که شما را از یک نفس آفرید و شما از نظر ایمان [دو گروه هستید؛ بعضی پایدار و بعضی ناپایدار و ما آیات خود را برای کسانی که می‌فهمند، تشریح نمودیم. بر طبق این آیه، ایمان افراد دو نوع است: یکی ایمان مستقر و پایدار و دیگری ایمان مستودع و عاریتی؛ به طور قطع شخصی که ایمانش از نوع عاریتی است، روزی آن را پس خواهد داد یا از او پس خواهند گرفت و بی‌ایمان محشور خواهد شد؛ اما ایمان مستقر در روح و جان مؤمن تثبیت شده و به هیچ قیمتی از او جدا نخواهد شد.

اگر قصابم از تن وا کند پوست جدا هرگز نگردد جانم از دوست

وجود این گونه لغزشگاه‌ها، از تدابیر و امتحانات الهی است تا گروهی که ایمان در جانشان نفوذ نکرده و لقلقه‌ی لسان آنهاست از گروهی که ایمان راستین دارند، جدا شوند.

پس از این امتحان الهی، حضرت مهدی ارواحنا فداه به محاکمه‌ی ابوبکر و عمر خواهند پرداخت و در این محاکمه مجرمیت این دو نفر را در تمام جنایات تاریخ بشر از داستان هابیل و قابیل تا آخرین جنایتی که تا قیامت به دست بشر اتفاق خواهد افتاد، به اثبات خواهند رساند. این روایت از آن دسته روایات بسیار ثقیل است. چگونه می‌توان جنایات تمام تاریخ را به عهده‌ی کسی نهاد که در دنیا عمر محدودی کرده است؟ احادیثی که بحث طینت را مطرح می‌کنند به فهم این مطلب کمک می‌کند. وقتی طینت کسی سجّینی است سرچشمه و منبع همه‌ی بدی‌هاست و همه‌ی افرادی که به انواع آلودگی‌ها دچار می‌شوند، به علّت ذره‌ای از این طینت سجّینی است که با طینت آنها مخلوط شده و

۱۳. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۹۸.

سبب سر زدن گناه و ظلم از ایشان می‌شود و چون اصل طینت سجّینی متعلق به ابوبکر و عمر و عثمان می‌باشد، پس آنها امّ‌الخبائث و سرچشمه‌ی همه‌ی بدی‌ها هستند.

به طور کلی می‌توان انسان‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد؛ دسته‌ی اوّل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هستند که اصل طینت علیّینی می‌باشند و دسته‌ی دوّم، اشراری هستند که اصل طینت سجّینی می‌باشند. مابین این دو دسته، دو گروه دیگر وجود دارند؛ گروه اوّل متشکل از افرادی است که قسمت اعظم وجودشان را طینت علیّینی فراگرفته است و مقدار کمی از طینت سجّینی با آن مخلوط شده است؛ این گروه مؤمنان خطاکارند. گروه دوّم اشخاصی هستند که اکثر طینت آنها را طینت سجّینی تشکیل می‌دهد و تنها مقدار کمی از طینت علیّینی با آن آمیخته شده است. این دسته، افراد غیر مؤمنی هستند که ولایت را قبول نکرده‌اند و با آن به مخالفت پرداخته‌اند؛ امّا بعضاً رفتارهای خوبی نیز از آنها سر می‌زند که علت این رفتار، مربوط به همان اندک طینت علیّینی است. در روز قیامت، خداوند متعال این دو گروه را از هم جدا خواهد کرد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «فَإِذَا جَاءَ يَوْمُ الْفَضْلِ مَيَّرَ اللَّهُ الْحَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»^{۱۴}: و چون روز فصل (جدایی) آید، خداوند ناپاک را از پاک جدا کند. از این رو در قیامت، هر چیز به جای خود بازخواهد گشت و لذا معصیتی که زاییده‌ی طینت سجّینی است که با طینت مؤمن آمیخته شده بود، همراه با طینت سجّینی به صاحبش بازخواهد گشت. از سوی دیگر، رفتارها و عبادات و اعمال نیکی که گاهی از دشمن اهل بیت علیهم‌السلام سر می‌زند، متعلق به طینت علیّینی است که با طینت او آمیخته شده بود و چون اصل طینت این فرد سجّینی است،

۱۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۱۰۹.

پس این اعمال شایسته به او متعلق نیست و لذا از او باز ستانده و تحویل مؤمنان می شود.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «يَرْجِعُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَى أَصْلِهِ»^{۱۵}: هر چیزی به اصل خود بازمی گردد. البته باید مد نظر داشت که این مسأله به هیچ وجه نباید مورد سوءاستفاده قرار گیرد؛ زیرا برداشت ناصحیح از این موضوع، می تواند سبب تجرّی در گناه شود و فرد را در غرقاب پلیدی ها و گناهان، به ورطه‌ی هلاکت کشاند. نکته‌ی دیگری که ذکر آن ضروری به نظر می رسد، آن است که بیانات فوق، هیچ منافاتی با عدل الهی ندارد؛ زیرا خداوند متعال، رحمت خود را به هر کس که مشیتش بدان تعلق پذیرد، اختصاص می دهد و یکی از عظیم ترین رحمت های الهی، نعمت ولایت است که شیعیان باید شکرگزار این نعمت بزرگ باشند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»^{۱۶}: رحمت خود را به هر کس که بخواهد اختصاص می دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است. به بیان دیگر می توان گفت کسانی که در وجودشان طینت علیینی با طینت سجّینی ممزوج شده است، در دنیا صاحب اختیارند و لذا اگر از اختیار خود حسن استفاده را ببرند و به اقتضای طینت علیینی خود رفتار کنند، از رستگاران خواهند بود. نظام عالم بسته نیست که اراده‌ی خدا در آن راه نداشته باشد؛ بلکه خداوند در هر لحظه خواهد توانست به اختیار خود هر چیزی را تغییر دهد. به فرموده‌ی مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی رحمته الله، دست خدا هنوز در آب و گل است و چنین نیست که کار تمام شده باشد. چنانکه در قرآن آمده است: «وَقَالَتْ

۱۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۰۶.

۱۶. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۷۴.

الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا
 بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ
 يَشَاءُ^{۱۷}: و یهود گفتند: دست خدا بسته است! دست‌های خودشان بسته باد و به خاطر
 این سخن، لعنت خدا بر آنها باد! دست خدا باز است و هر گونه بخواهد، می‌بخشد. از این رو
 می‌توان از خداوند خواست که طینت علیینی ما را بر طینت سجّینی ما غالب گرداند. این
 عالم سرای اختیار است و ما می‌توانیم با حسن استفاده از اختیار خود، طینت علیینی را بر
 طینت سجّینی پیروز گردانیم تا مراتب ایمان و کمال را چنان طی کنیم و به برکت
 اهل بیت علیهم‌السلام به نقطه‌ای دست یابیم که اثری از طینت سجّینی در وجودمان باقی نماند. از
 طرفی اگر کسی با سوء استفاده از قدرت اختیار خود به مقتضای طینت سجّینی رفتار کند و
 آن را خواسته‌ی قلبی خود قرار دهد، محرومیت خود را از طینت علیینی توسعه داده است
 تا جایی که طینت سجّینی سراسر وجود او را فرا خواهد گرفت و یکپارچه آلودگی خواهد
 شد؛ اما جابه‌جایی در این عالم امکان‌پذیر است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَمْحُوا
 اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»^{۱۸}:
 خداوند هر چه را بخواهد محو می‌کند و هر چه را بخواهد می‌نویسد و لوح محفوظ نزد
 اوست. همچنین در تعقیب نماز صبح می‌خوانیم: «وَ إِنْ كُنْتَ عِنْدَكَ فِي
 أُمَّ الْكِتَابِ شَقِيًّا فَاجْعَلْنِي سَاعِيدًا فَإِنَّكَ تَمْحُو
 مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ»^{۱۹}: و اگر نزد تودر

۱۷. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۴.

۱۸. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳۹.

۱۹. محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، دعا‌های وقت طلوع و غروب آفتاب.

اُمّ‌الکتاب از اشقیاء هستم، پس مرا سعادت‌مند قرار ده که تو هر چه را بخواهی محو یا ثابت می‌گردانی و اُمّ‌الکتاب تنها در نزد توست. مقدرات خدا به عنایت خدا و خواست انسان قابل تغییرند؛ بدین ترتیب هر کس در قیامت به گونه‌ای برانگیخته خواهد شد که خواسته‌ی قلبیش در دنیا بر آن بوده است؛ خواه این صفت، طینت علیّینی باشد یا سجّینی. از طرف دیگر، خداوند متعال عمل صالح کسی که اصل طینت او سجّینی است را بی‌اجر نمی‌گذارد و در همین دنیا با نعمت‌هایی چون رزق وسیع، سلامتی، آبرو و موقعیت مناسب، پاداش عمل شایسته‌ی او را خواهد داد؛ کما اینکه اگر کسی که اصل طینت او علیّینی است در اثر آن بخش اندک طینت سجّینی که در وجودش وارد شده مرتکب خطایی شود، عمل او بدون کیفر نخواهد ماند و در همین دنیا، در قالب ابتلائات و مشکلاتی که برایش پیش می‌آید، از قبیل بیماری و فقر و انواع سختی‌ها به کیفر اعمالش خواهد رسید. بنابراین عدالت الهی در همه‌جا مراعات می‌شود و به احدی ظلم نخواهد شد. هم آن فرد شقی و سجّینی که کار خوب از او سر زده بی‌اجر نمی‌ماند و پاداش خود را دریافت می‌کند، البته در دنیا، و هم آن فرد سعید و مؤمن که اصل او علیّینی است عمل سوئش بدون کیفر نمی‌ماند. بنابراین اگر در قیامت آنگونه با افراد رفتار می‌شود، یعنی اعمال سوء مؤمنان و تبعات و کیفرهای آن به کسی که اصل طینتش سجّینی بوده، ملحق می‌شود و به ریشه و صاحب اصلی خود برمی‌گردد و از آن طرف اعمال صالح اشقیاء و بخشی از طینت علیّینی که در اشقیاء بوده به مؤمنان و صاحبان اصلی طینت علیّینی بازمی‌گردد، هیچ‌گونه ظلمی صورت نگرفته است؛ چون هر کس از سعادت و اشقیاء در دنیا پاداش و کیفر اعمال خود را دریافت کرده بود و برای

همه ی انسان‌ها اختیار و فرصتی در جهت تغییر و اصلاح خویش و تبدیل مقدرات وجود داشت^{۲۰}.

در پایان این مبحث یادآور می‌شویم که عصر رجعت و دوران برزخ، شروع دارالجزاست و جزای عمومی، مربوط به روز قیامت خواهد بود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۲۰. بحث طینت بسیار پیچیده و عمیق است و نمی‌توان در حد این چند سطر همه‌ی ابعاد آن را تبیین کرد و نیازمند فرصت مستقّلی است. جهت اطلاعات بیشتر و دقّت و موشکافی در این موضوع و رفع ابهام نگاه کنید به: مولی نظرعلی طالقانی، کاشف الاسرار، تصحیح و تعلیق مهدی طیب، ج ۲.